

تاریخ ایران به عنوان ستون اصلی نظریه «مکتب ایرانی» قلمداد گشت. ریچارد فرای برهمین اساس می‌گفت «حقیقت آن است که ایرانیان اسلام را نپذیرفتند، بلکه با روحیه محافظه‌کار خود آن را ایرانی کردند.»^{۱۱۲} برای شرح این روند، فرای عنوان «اسلام ایرانی» را جعل کرد و آن را محصول امتزاج با «سنت‌های باستانی» دانست.^{۱۱۳} در این داستان انگلیسی، فرای حکومت صفویان را بیشتر از آنکه برخاسته از اسلام بداند، بر «سنتِ هخامنشی کوروش» و «آئین‌های ساسانی» استوار می‌داند^{۱۱۴} و مراد و منظور خود را نیز از این سنت‌های باستانی مانند «فرقه میترائیسم» (آئین مهر) که در «مکتب ایرانی» با اسلام آمیخته‌اند، روشن و شیوا شرح می‌دهد.

ریچارد فرای در «مکتب ایرانی» صورتی تاریخی از نظریه «ملی‌گرایی اشراقی» را ترسیم می‌کند که مخرج مشترکی از ریشه‌های ناسیونالیستی و آئین‌های صوفیانهٔ شرقی است؛ نظریه‌ای که تیرماه ۱۳۸۶ ریچارد رورتنی (فیلسوف مشهور CIA) در واپسین روزهای زندگی‌اش با ترکیب «شراق‌گرایی اسلامی» با «دموکراسی میهن‌پرستانه» صورتی جدید از آن را عرضه کرد و بسیار سریع نیز به ادبیات رسمی محمود احمدی‌نژاد راه یافت. فرای و بسیاری از تاریخ‌دانان یهودی دیگر، «فرقه میترائیسم» (آئین مهرپرستی) را نمونه برجستهٔ بازگشت به سنت باستانی ایران و از پایه‌های اشراقی «مکتب ایرانی» می‌دانند. میترائیسم یک باور شرک‌آلودِ رازآمیز برپایه پرستش «ایزد ایران باستان» (مهر/میترا) و خدای خورشید، عدالت، پیمان و جنگ است. سلسله درجات فرقه میترائیسم، «پله‌های تشرف در دین مهر» و «درجات هفت‌گانهٔ مهرپرستی» نام دارد. فراماسونرها دل‌بستگی زیادی به این فرقه دارند و برای همین، برخی آداب میان فراماسونری و میترائیسم مشترک است. وانگهی، ماهیتِ بسیاری از فرقه‌های صوفی‌گری در ایران با عقاید میترائیسم به عنوان «دین مهر» پیوند خورده است و مورخان انگلیسی رواج اصطلاحات میترائیسم مانند «مهراب» در شعر عرفانی و ادبیاتِ سلسله صوفیه را نشانه چنین پیوندهایی معرفی می‌کنند. فرای برای شرح «مکتب ایرانی» در انجمن ایران و آمریکا سخنرانی می‌کرد. او در نظریه‌اش عملاً کل «سنت پیامبر» را معادل با «آداب بدوی» می‌گیرد و بدین‌ترتیب، یکی از ۴ ستون معرفتی اسلام ناب را فرو می‌برد تا راه برای نفوذ «باورهای فرقه‌ای» به حوزه «سبک زندگی دینی» راحت‌تر گشوده شود. وانگهی، در دیباچه کتاب عصر زرین فرهنگ ایران با تاکید نوشت که باید باور عمومی ایرانیان به مرجعیت تاریخ اسلام را دگرگون کرد و بی‌تردید ارجاع «مکتب ایرانی» به آداب و باورهای فرقه‌های باستانی و صوفی، تلاشی برای همین دگرگونی است. این انتقاد، ترنفد روش‌شناختی «مکتب ایرانی» برای «انحراف» مسلمانان از «اسلام ناب» است. حسین شریعتمداری در تبیین مغالطه‌های این پروژه انگلیسی و فرمول کلیدی «انتقال مفاهیم به میدان‌های غیرقابل تعریف» می‌نویسد:

یکی از شگردهای شناخته شده دشمن برای «تعریف» مفاهیم و آموزه‌های اسلامی، انتقال واژه‌های شناخته شده از «میدان‌های قابل تعریف» به «بسترها و میدان‌های غیرقابل تعریف» است. به عنوان مثال «مکتب اسلام» تعریف شناخته شده‌ای دارد، ولی اگر به جای آن از «مکتب ایرانی» استفاده شود دیگر نمی‌توان تعریف مشخص و به قول اهل منطق، «تعریف جامع و مانعی» برای آن ارائه کرد. کدام ایران؟ ایران هخامنشی؟ ساسانی؟ پهلوی؟ قاجاری؟ کدام ویژگی ایران؟ «ریچارد رورتنی» و «ریچارد فرای» با همین انگیزه جایگزینی «مکتب ایرانی» به جای «مکتب اسلام» را توصیه می‌کنند.^{۱۱۵}

پروژه انگلیسی «ملی‌گرایی اشراقی» در ترکیه نیز کلید خورد و نتیجه آن را ظهور «اسلام ترکی» و شکل تکوین‌یافته معاصر آن یعنی «اسلام آناتولی» (به رهبری فتح‌الله گولن) می‌دانند. همان‌طور که بعدها ریچارد رورتنی با ارائه آخرین نسخه این تئوری برای ایران گفت «مکتب ایرانی» یک «پادزهر» موثر علیه اسلام اصول‌گرا ارزیابی می‌شود؛ اسلامی که ریشه‌های جهادی آن ریشه در وحی و سنت پیامبر دارد و با ترویج این قرائت رو به انحطاط می‌رود.

✽ **برای مطالعه ار جاعات، اسناد، منابع و پانوشت‌های پاورقی به کتاب «شاه‌کلید انگلیسی» (جلد ۵۰ مجموعه نیمه پنهان) نوشته پیام فضلی‌نژاد که در آینده نزدیک توسط «دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان» منتشر می‌شود، مراجعه فرمائید.**

✽ **پروژه انگلیسی «ملی‌گرایی اشراقی» در ترکیه نیز کلید خورد و نتیجه آن را ظهور «اسلام ترکی» و شکل تکوین‌یافته معاصر آن یعنی «اسلام آناتولی» (به رهبری فتح‌الله گولن) می‌دانند. همان‌طور که بعدها «ریچارد رورتنی» با ارائه آخرین نسخه این تئوری برای ایران گفت «مکتب ایرانی» یک «پادزهر» موثر علیه اسلام اصول‌گرا ارزیابی می‌شود.**



«ریچارد فرای»، مرداد ۱۳۸۹ در خانه اهدایی رئیس جمهور احمدی‌نژاد در شهر اصفهان به همراه مقامات استانداری. فرای که از دریافت یک بنای برجسته میراث فرهنگی به عنوان خانه شخصی‌اش برای زندگی در اصفهان غافلگیر شده، در مصاحبه با واحد مرکزی خبر قهقهه می‌زند و نخورده مست است!

ایرانی» به شمار می‌رفت و ارزش سرمایه‌گذاری را داشت، زیرا نتیجه آمیختگی و سازگاری «سنت دینی» با «سنت باستانی» به خروج باورهای اصیل اسلام از متن زندگی مردم منتهی می‌شد؛ دقیقاً همان هدفی که انگلیسی‌ها سال‌ها در ایران تعقیب می‌کردند.^{۱۱۸}

فرای کار خود را برای عرضهٔ یک «قرائت ایرانی از شیعه» بسیار زود کلید زد و هدفش را مشخصاً «گرگون کردن سرچشمه‌های دینی» در ایران اعلام کرد.^{۱۱۹} او در دیباچه کتاب عصر زرین فرهنگ ایران به صراحت نوشت «باید این نظریه اسلامی را که همه چیز برای مسلمانان با پیامبر اسلام آغاز می‌شود، دگرگون ساخت» و آنان را به «فرهنگ ایران باستان» بازگرداند^{۱۲۰} چون ایرانیان از عصر ساسانیان وارث تمدن شرق بودند.^{۱۲۱} برای رسیدن به این هدف، روایت‌های مجعول تاریخ‌دانان انگلیسی از اوضاع و احوال ایران به عنوان مستندات قطعی، شاهد دروغین قرار گرفت و این‌چنین، داستان انگلیسی‌ها از



شاه کلید انگلیسی فصل چهارم ۱۷



ریچارد فرای (تئوریسین مکتب ایرانی و معروف‌ترین ایران‌شناس CIA) در کنار رئیس جمهور احمدی‌نژاد؛ ۶ بهمن ۱۳۸۶، تهران. ریچارد فرای کوشید تا در هر ۳ دولت کارگزاران، اصلاحات و احمدی‌نژاد با استفاده از همه ظرفیت‌ها و اهرم‌های شبکه گسترده‌اش در ایران (که ۵۰ سال قدمت داشت) یک «بحران گفتمانی» ایجاد کند. برای این کار فرای و امیراحمدی در دولت هاشمی رفسنجانی با استفاده از روابطشان با دولتمردان حزب کارگزاران یک پروژه «جمع‌آوری اطلاعات» را پیش بردند، اما با هوشیاری «وزارت اطلاعات» این پروژه کشف شد و حتی اسناد آن در برنامه تلویزیونی هویت به روی آنتن رفت. تئوریسین مکتب ایرانی از بهمن ۱۳۸۴ توانست با «حلقه انحرافی» ارتباطات نزدیکی برقرار کند، اما مکاتبات او با شخص رئیس جمهور از شهریور ۱۳۸۶ آغاز شد و احمدی‌نژاد در انتهای پاسخ به نامه فرای دعا کرد موانع ارتباط با آمریکا برداشته شود؛ در زمستان ۱۳۸۶ نیز «ریچارد فرای» موفق شد تا احمدی‌نژاد را ملاقات کند و از رهگذر این تماس‌ها، مرداد ۱۳۸۹ «مکتب ایرانی» از سوی «سفندیار رحیم مشایی» به عنوان ایدئولوژی رسمی دولت معرفی شد. در واقع، شبکه جاسوسی آکادمیک انگلیس و آمریکا که از رهگذر سیاست‌های دولت هاشمی در ایران رشد کردند، توانستند به کمک حلقه انحرافی، گفتمان اصیل رئیس جمهور را تغییر دهند.

به تولد یک مکتب انگلیسی جدید «میانه‌رو» می‌انجامد که همان «مکتب ایرانی» است.^{۱۲۲} به نظر انگلیسی‌ها، این نتیجهٔ قابل قبولی از کار کردِ «مکتب

✽ **حسین شریعتمداری در تبیین مغالطه‌های این پروژه انگلیسی نوشت؛ یکی از شگردها برای تحریف آموزه‌های اسلامی، انتقال واژه‌های شناخته شده از «میدان‌های قابل تعریف» به «میدان‌های غیرقابل تعریف» است. مکتب اسلام تعریف شناخته شده‌ای دارد ولی اگر به جای آن از مکتب ایرانی استفاده شود دیگر تعریف مشخصی ندارد... ریچارد رورتنی و ریچارد فرای با همین انگیزه در پی جایگزینی «مکتب ایرانی» به جای «مکتب اسلام» بوده‌اند.**



پرفسور گریگوری، همسر «الگا دیویدسن» (نفر وسط) در کنار «صادق خرازی» (از دیپلمات‌های نزدیک به هاشمی رفسنجانی) و «سیدمحمد خاتمی»، ۲۰ شهریور ۱۳۸۵، ضیافت بلوط سبز در بوستون آمریکا. خاتمی به همراه «صادق خرازی» که با کروات در «ضیافت بلوط سبز» حاضر شده بود، با رابطان برجسته آمریکا و انگلیس از جمله «ریچارد فرای» ملاقات و گفت‌وگو کرد.

فرای سال ۱۳۷۲ اولین بار در دولت هاشمی رفسنجانی و با مساعدت «عطاءالله مهاجرانی» (معاون حقوقی – پارلمانی رئیس جمهور وقت) توانست به ایران بازگردد. دولت کارگزاران همچنین بسترهای بازگشت و نفوذ دستیاران «ریچارد فرای» را نیز به کشور فراهم ساخت. برای نمونه «هوشنگ امیراحمدی» (دلال رابطه با آمریکا) و همکار فرای در «گروه تماس نیوجرسی» به تهران بازگشت. ردپای این تیم مشکوک امنیتی CIA و MI۶ به دولت هاشمی رفسنجانی می‌رسد. «صادق خرازی» نیز در کنار مهاجرانی از واسطه‌های برجسته تعامل با آمریکا و انگلیس بود و همچنان نیز یکی از تئوریسین‌های سیاست خارجی اردوگاه اصلاحات به شمار می‌رود و چندی پیش مذاکرات ومصاحبه پر سر و صدای او با «کبر هاشمی رفسنجانی» درباره لزوم «رابطه با آمریکا» منتشر شد.

توضیح داد و حتی برای اثبات فرضیه‌های آن به جعل شواهد تاریخی بسیاری دست زد. مقدمات فرضیه فرای، ظاهری فریبنده داشت و ورود اسلام به ایران را یک «عصر طلایی» جلوه می‌داد. فرای می‌گوید به یک دلیل «حمله اعراب» به ایران را باید یک «عصر طلایی» نامید، چون به «یرانی‌شدن» مکتب اسلام انجامید.^{۱۲۵} بنابراین، سرشتِ فرضیه چیز دیگری بود و از قضا ریچارد فرای خودش این ظاهر فریبنده را کنار زده است. فرای در رساله میراث ایران نتیجه آمیختگی فکر انگلیسی «استان‌گرایی» با عناصر اسلام را فرصت خوبی برای ترکیب «ریشه‌های انقلابی» دین با «خصلت‌های محافظه‌کارانه ملی» می‌داند^{۱۲۶} و به گمانش، این آمیختگی به مرور زمان ماهیت اصول‌گرای مکتب پیامبر(ص) را تغییر می‌دهد. سازگاری عناصر اصلی اسلام با سنت‌های ایرانی

تماس‌های ریچارد فرای با ایران از طریق ایستگاه CIA در لندن از سال ۱۳۳۰ در حال شکل‌گیری بود.^{۱۲۰} پیش از فرای، استادش پرفسور آرتور پوپ به دعوت حسین علاء نخست‌وزیر وقت برای هدایت فرهنگی و هنری حکومت پهلوی اول از سال ۱۳۰۴ در تهران و شیراز اقامت داشت^{۱۲۱} و به دلیل تئوری‌پردازی و تیارسازی برای فرهنگ باستانی – پادشاهی ایران نفوذ فراوانی روی رضاخان یافت.^{۱۲۲} پرفسور پوپ طی ۴۰ سال در پوشش مورخ هنرهای باستانی ایران و باستان‌شناس یک مافیای انگلیسی – آمریکایی قاچاق عتیقه‌های قیمتی ایران را شکل داد که ریچارد فرای جوان نیز به آن پیوست.^{۱۲۳}

اولین سفر فرای به ایران از مبداء «انگلیس» انجام شد. او سال ۱۳۳۰ در اولین سفر با یک ماشین لندروور ابتدا از لندن به بغداد آمد و سپس راهی تهران گشت. در این سفر، فرای با سناتور پرویز نائل خانلری وزیر فرهنگ کابینه علم، صادق چوبک و صادق هدایت در کافه لاله‌زار ملاقات کرد.^{۱۲۴} روابطش با سناتور خانلری به سرعت گرم شد و کمک‌ها و منابعی را برای انتشار مجله سخن در اختیار او گذاشت،^{۱۲۵} اما ماموریت اصلی فرای دیدار با محمدرضا پهلوی بود که یک سال از ازدواجش با ثریا می‌گذشت.^{۱۲۶} در آن زمان خطر کودتای حزب توده و اقتدار کمونیست‌های روسی بر ایران از دغدغه‌های مهم دولتمردان آمریکا به شمار می‌رفت و مذاکرات فرای با شاه جوان نیز حول این محور می‌گشت.^{۱۲۷} او از رهبران شبکه انگلیسی بدمان در کودتای آژاکس بود و چندین بار با دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر وقت درباره خطر روس‌ها ملاقات و رایزنی کرد.^{۱۲۸} مذاکرات فرای و مصدق به تدریج از علائق و ماموریت اصلی فرای در ایران برداشته شد. فرای در این دوره کوشید روابطش را با مشاوران نزدیک دکتر محمد مصدق نزدیک‌تر کند. مرحوم علی‌اکبر دهخدا دایره‌المعارف نویس برجسته ایرانی یکی از این افراد بود و فرای گاهی به منزلش می‌رفت تا درباره تاریخ ایران

و انقلاب مشروطه با هم گپ بزنند.^{۱۲۹} معلومات وسیع یک آمریکایی درباره ایران می‌توانست برای یک دانشمند جذاب باشد، اما فرای می‌خواست تا رابطه‌اش با مرحوم دهخدا را به کنال ویژه‌ای برای اثرگذاری روی دیدگاه‌های نخست‌وزیر تبدیل کند.^{۱۳۰} او تا حدی پیش رفت و در روزهای بحرانی منتهی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دهخدا نزد او از احتمال دسیسه انگلیسی‌ها برای سرنگونی دولت مصدق ابراز نگرانی کرد.^{۱۳۱} راه‌حل فرای شگفت‌انگیز بود و بعدها به نظریه بنیادین او درباره «رابطه ایران و غرب» تبدیل شد. فرای به دهخدا «پیشنهاد سازش با انگلیس» را داد و در دهه ۱۳۶۰ نیز صراحتاً از آن دفاع کرد:

فکر می‌کنم اگر آن‌ها به انگلیس امتیازات خوبی می‌دادند، خیلی از مصیبت‌ها به سر ایران نمی‌آمد!^{۱۳۲} فرای یکی از هواداران سرسخت منافع انگلیس در ایران شناخته

می‌شد؛ یک آمریکایی در میان انگلیسی‌ها. وقتی یک‌بار ریچارد فرای همراه سفیر انگلستان و پژوهشگران دانشگاه کمبریج لندن برای ارائه گزارش کار تالیفِ «تاریخ ایران باستان» به دیدار محمدرضا پهلوی در کاخ نیلوران رفت، این نکته تعجب ضمنی شاه را برانگیخت.^{۱۳۳} شاه با خنده به فرای گفت چگونه است که: **یک دغدغه انگلیسی برای تاریخ ایران، یک ارگان بریتانیایی و یک سرپرست آمریکایی!**^{۱۳۴}

راز ماجرا اتفاقاً همین جا بود. او از ابتدای حضورش در ایران برای صورت‌بندی و ارائه نظریه‌ای کار کرد که آن را «دغدغهٔ انگلیسی» می‌دانستند و فرای برای اولین‌بار به این دغدغه، شکل یک «نظریه تاریخی» را داد. این ایران‌شناس آمریکایی، بن‌مایهٔ فکر انگلیسی درباره تاریخ ایران را به روشنی